

لغات عربی و فارسی و ترکی در فرانسه

- ۲ -

Bordj، مأخوذ از عربی (برج) بمعنی قلعه است.
Burnous، عبای باشلق دار - مأخوذ از عربی (البرنس) است (۱).
Bouracan، پارچه پشمی درشت معمول در قدیم مأخوذ از عربی (براقان) بمعنی درخشانده است (۲).

(C)

Cafard، خرمقدس، رباکار، خبرچین - ظاهراً از عربی (کافر) اقتباس شده است .

Cafe، قهوه - از ایتالیائی (caffe) و لغت اخیر در قرن هفدهم از عربی (قهوه) مأخوذ است . اولین قهوه خانه فرانسه در شهر مارسی در تاریخ ۱۶۵۴ میلادی باز شد .

Caftan، لباس نظامی - از ترکی (قفطان) و آن نیز از (خفتان) فارسی مأخوذ است .

Caïd، رئیس ایل - از عربی (قائد) بمعنی رئیس اقتباس شده است .

Calencar، پرده قلمکار (۳) در قرن هیجدهم از فارسی اقتباس شده است .

Calibre، اندازه و معیار - از ایتالیائی (calibro) و آن نیز از عربی

۱ - البرنس قندسوة طویلة او کل ثوب راسه منه (فطر المعیط)

۲ - اینکه اصل کلمه از براقان گرفته شده باشد بعید بنظر میرسد و ممکن است مأخوذ از کلمه برك فارسی باشد که بهین معنی از روزگار قدیم معمول بوده و الان نیز در خراسان و خلخال و نواحی جنوب استعمال میشود، اگر چه کلمه براقان عربی هم که بمعنی درخشانده است مأخوذ از برق میباشد که اصل آن نیز پارسی است. ط « برك »

۳ - از قول Savary (۱۷۲۰)

- (قالب) ولغت اخیر از پهلوی (کاپ) و یا فارسی (کالبد) مأخوذ است .
- Candi، نبات - از عربی (قند) بمعنی قندنی شکر اقتباس شده است .
- Carabe، عنبر زرد - در اواخر قرن شانزدهم (۱) از فارسی (کهربا) اقتباس شده است .
- Caracal، سیاه گوش - از اسپانیولی (caracal) و این لغت از ترکی (قره قولاق) بمعنی سیاه گوش اقتباس شده است (۲) .
- Carafe، تنک آب - از اسپانیولی (garrafa) و لغت اخیر از عربی «غرب» (۳) بمعنی جام و قدح مأخوذ است .
- Caraque، کرجی رود نیل - از عربی (حرکه) بمعنی کشتی کوچک مأخوذ است .
- Carat، عیار طلا - از ایتالیائی (carato) (۴) و آن نیز از عربی (قیراط) بمعنی وزن مخصوص گرفته شده است بنوبه خود عرب از یونان (keration) اقتباس کرده است .
- Caravane، کاروان - این لغت در جنگهای صلیبی از فارسی اقتباس شده است (۵) .
- Carmin، قرمز رنگ - از لاتینی قرون وسطی (carminium) و لغت اخیر از (قرمز) گرفته شده است .

- ۱- از قول فلاح فرانسوی Olivier de Serres که کشت درخت نوت را در فرانسه معمول نمود (۱۶۱۹ - ۱۵۳۹)
- ۲- Buffon طبیعی دان فرانسه قرن هیجدهم .
- ۳- العرب شجر والغمر والفضه او جام منها والقدح (قطر المحيط) .
- ۴- از قول شاعر فرانسوی E. Deschamps (۱۴۰۷ - ۱۳۴۰)
- ۵- قیروان نام شهر معروف را نیز اعراب از کاروان فارسی گرفته‌اند (انساج سمعی) .